

بررسی محتوای اجتماعی در ادبیات داستانی کودک دهه هفتاد

الهه چیت سازی



از پرکاربردترین درونمایه‌ها در ادبیات داستانی کودک، درونمایه اجتماعی است. در این گونه داستان‌ها، پدیده‌های مثبت و منفی که یک اجتماع با آن درگیر است، مطرح می‌شود. طرح مشکلات و مسائل اجتماعی، بازتابی از ذهن آرمان‌گرای نویسندگان است که همواره در پی تغییر و اصلاح وضع موجود، همچنین بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها، به ویژه کودکان می‌کوشند (محمدی ۱۳۷۸، ص ۲۳۷). موضوعاتی چون جنگ، کشتارهای دسته جمعی، انقلاب‌های اجتماعی، دلاوری‌ها، پیروزی‌ها، مهاجرت، مبارزه با تبعیضات نژادی و طبقاتی، جنگ فقیر و غنی، استثمار کودکان، درگیری‌های خانوادگی و... به حوزه گسترده درونمایه‌های اجتماعی مربوط می‌شوند.

هدف اصلی این مقاله، بررسی پاره‌ای از موضوعاتی است که به آن‌ها اشاره شد. این موضوعات، بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد، بیش از دیگر موضوعات، در داستان‌های اجتماعی این دهه انعکاس می‌یابد. چنین موضوعاتی یا مربوط به کودک و رفتارهای اجتماعی اوست که در خلال آن، روند رو به رشد جامعه‌شناختی کودک بررسی می‌شود که در این بخش، ذیل مبحث رفتارهای اجتماعی به آن پرداخته می‌شود یا مربوط به خانواده است و یا مسائل سیاسی اجتماعی که پیامدها و نتایج آن در داستان‌ها نشان داده می‌شود.

با توجه به جریان‌های سیاسی-اجتماعی دو دهه شصت و هفتاد، به ویژه دو جریان انقلاب و جنگ، طبیعی است که این دو جریان و پیامدهای مربوط به آن، اساسی‌ترین محتوای داستان‌های دهه هفتاد، به ویژه داستان‌های واقع‌گرای معاصر را شامل شود که در این بخش، به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود. مطالب اصلی این بخش، به پنج دسته، ذیل پنج عنوان تقسیم خواهد شد. این تقسیم‌بندی که تنها بر اساس محتوای داستان‌های اجتماعی دهه هفتاد به دست آمده است، عبارتند از:

- ۱ - رفتارهای اجتماعی
- ۲ - خانواده
- ۳ - گروه‌های شغلی
- ۴ - جریان‌های اجتماعی
- ۵ - مشکلات اجتماعی

۱ - رفتارهای اجتماعی

فراگرفتن موازین اخلاقی، بخش مهمی از رشد و پرورش اجتماعی کودک است. کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی، زمانی که خود را با پدر و مادر، ارزش‌های مورد قبول، نگرش‌ها و موازین رفتاری آن‌ها برابر می‌انگارند، آرام آرام مفاهیم درست و غلط را در خود شکل می‌دهند. گروه‌های همسال نیز در این سن، به تدریج بر سلوک و معیارهای اخلاقی یکدیگر تأثیرگذار هستند. از این جاست که اهمیت رشد و پرورش اجتماعی کودک در سنین دبستان آشکار می‌شود. در بخش رفتارهای اجتماعی، به مقوله‌های فراوانی می‌توان اشاره کرد که بسیاری از آن‌ها در اصل، مقدمه‌ای در پیشبرد جریان رشد و پرورش اجتماعی کودک هستند. مقوله‌هایی چون:

- **اتحاد و همدلی:** داستان‌هایی چون سار و سیب، گنجشک و پنبه دانه، دخترک و گل نرگس، آس سنگ، زنبور عسلی به نام وزوزی، بچه‌ها و کبوترها، بلندترین صدا، فیل کوچولو دماغت کو؟، خاطرات بچه‌های انقلاب، اتحاد، زیباترین آواز، موش بازیگوش، تبر، گفت‌وگوی رنگ‌ها و ...

- **تفرقه:** داستان‌هایی چون تفرقه، گل دوستی و سفر به دور دنیا

- **تقلید:** داستان‌هایی چون زاغ و طاووس، کلاغ دم بریده، گربه‌ای با دم موش، فاخته تنها، نازلی و هفت کرم، خاله عروسک‌من، عروسک چاقالو، هدیه خاله نگین، بعضی ماجراهای آفتاب و عزیز خانم و ...

- **قهر و آشتی:** داستان‌هایی چون مثل بوی گل، درخت و پنجره، دوستی خاله رعنا و عمه نساء، ماجراهای آفتاب و عزیزخانم، باران شادی، درخت و پنجره، نازک نارنجی و ...

- **فداکاری و بردباری:** داستان‌هایی چون اگر این چوب مال من بود، شب تاب و کلاغ پیر، کی از همه بزرگ‌تر است، قصه پرواز، درخت و جویبار و ...

- **وفای به عهد:** داستان‌هایی چون قول مردانه، وفای به عهد، ملوچک دایره زن

۲ - خانواده

داستان‌های خانوادگی در دهه هفتاد، بیانگر نمونه‌هایی از سخت‌ترین و ناگوارترین روابط خانوادگی، نتیجه اوضاع و احوال اجتماعی ایران در دو دهه پنجاه و شصت و انعکاسی از دو جریان سیاسی انقلاب و جنگ است. از آغاز دهه هفتاد، در شخصیت‌پردازی خانواده‌های ایرانی در داستان واقع‌گرا، دگرگونی‌های فراوانی رخ داده است. نویسندگان این دهه، هم‌چنان که کودکان را با واقعیت‌های اجتماعی جدید سازگار می‌کنند، توجه خود را بیشتر به لزوم چیره شدن بر نابه‌سامانی‌های خانواده متمرکز ساخته‌اند. مرگ پدر و مادر به ویژه پدر، کودکان خانواده‌های تک‌سرپرست، پدران اسیر و مجروح، عدم باورپذیری مرگ پدر، مهاجرت و مشکلات ناشی از جنگ و ترک وطن و ... پاره‌ای از مسائل مربوط به کودکان و خانواده‌های آن‌ها هستند که در داستان‌های واقع‌گرای معاصر مطرح می‌شود. نویسندگان، این‌گونه داستان‌ها را بیشتر از دید کودک یا کودکانی که درگیر این مسائل بوده‌اند، می‌نویسند. دیدگاه اول شخص یا دانای کل محدود، واکنش‌های رفتاری و احساسی از دید کودک را به خوبی ترسیم می‌کند.

مبحث خانواده، شامل مقوله‌هایی از این قبیل است:

الف- ازدواج و طلاق



صمیمی‌ترین نوع ارتباطی که

در داستان‌های

دهه هفتاد

مشاهده می‌شود،

ارتباط میان

کودک با

سالخوردگان،

از جمله پدر بزرگ

و مادر بزرگ است.

داستان‌هایی چون

هدیه خیس ،

قصه مادر بزرگ،

ماجراهای آفتاب و

عزیزخانم،

قصه‌های خاله کوکب،

یک شیشه گلاب،

قصه‌های زینب

و ...

ب- ارتباط کودک با دیگران

ج- مرگ اعضای خانواده

داستان‌های واقع‌گرای معاصر دهه هفتاد، فاقد دو مقوله ازدواج و طلاق در رده سنی کودک است، اما داستان‌هایی که محتوای آن‌ها شامل مرگ اعضای خانواده و تصویری از روابط اعضای با یکدیگر است، بیش از دیگر مقوله‌های خانوادگی، در میان این آثار مشاهده می‌شود. این موضوع، نشان دهنده تمایلات بزرگسالان به مسئله مرگ، نداشتن روحیه شاد و سرزنده هم‌چنین وجود فاصله سنی زیاد میان مخاطب (کودک) و نویسندگان است.

ارتباط با دیگران

روابط کودک در داستان‌های دهه هفتاد، شامل ارتباط با:

- **سالخوردگان:** صمیمی‌ترین نوع ارتباطی که در داستان‌های دهه هفتاد مشاهده می‌شود، ارتباط میان کودک با سالخوردگان، از جمله پدر بزرگ و مادر بزرگ است. داستان‌هایی چون هدیه خیس، قصه مادر بزرگ، ماجراهای آفتاب و عزیزخانم، قصه‌های خاله کوبک، یک شیشه گلاب، قصه‌های زینب و...

- **پدر و مادر:** داستان‌هایی که عشق و علاقه شدید پدر و مادر و فرزندان را به یکدیگر تصویر می‌کند. داستان‌هایی چون زمستان و عمه قزی، قالیچه بته گلی، سحر، شب بوها و نماز، آیوگا، غنچه برقالی، ستاره در کویر، دوبال پریدن، گلاره دختر گل، کژان در ترنج، عبدو و شالیزار سبز و...

- **ارتباط فرزندان با یکدیگر:** این‌گونه داستان‌ها علاقه و ارتباط شدید میان فرزندان (خواهر و برادر) را در خانواده نشان می‌دهد. داستان‌هایی چون محمد و گل مریم، هامون در کویر، احمد و سارا، خانه چوب کبریتی، غنچه برقالی و ...

- **روابط همسالان:** در میان داستان‌های واقع‌گرای معاصر دهه هفتاد، شاهد روابط بسیار دوستانه‌ای میان کودکان هستیم که نویسندگان در رفع مشکلات ناشی از حوادث داستان، از آن روابط صمیمانه بهره می‌جویند. به ویژه داستان‌هایی که مربوط به جنگ، آوارگی کودکان جنگ و مشکلات ناشی از آن است که شامل جدایی از دوستان قدیمی، ترک زادگاه، احساس غربت و دل‌تنگی شدید کودکان می‌شود. در این‌گونه داستان‌ها، شخصیت‌های داستان، به عنوان دوستان و حامیان جدید، به پشتیبانی قهرمانان مهاجر و غریب می‌شتابند و حوادث داستان را در مسیر مورد نظر نویسنده پیش می‌برد. داستان‌هایی چون هدیه‌ای برای بچه‌های کنار شط، خانه چوب کبریتی، جوراب پشمی، قول مردانه، نامه‌هایی از آسمان، شیرمال فروش، جایزه از این‌گونه‌اند.

مرگ

طرح موضوع مرگ، در کتاب‌های کودکان، برای نویسندگان اندکی دشوار است. این موضوع برای کودکان ناراحت‌کننده است و از طرفی، با دنیای شاد و پرنشاط آن‌ها فرسنگ‌ها فاصله دارد. بخشی از دوران گذر از کودکی، درک و پذیرش تدریجی واقعیت مرگ است. شمار روزافزون داستان‌های واقع‌گرا درون‌نامه‌هایی را می‌پرواند که در ارتباط با پذیرش مرگ و پیروزی بر مشکلات عاطفی از دست دادن عزیزان است. از آن‌جا که کودکان، همانند بزرگسالان، با از دست دادن یکی از نزدیکان یا دوستان خود سخت اندوهگین می‌شوند، داستان و زندگی‌نامه‌ها به آنان کمک می‌کند تا برخی از کشمکش‌های ناشی از مرگ را تجزیه و تحلیل کنند. کتاب‌هایی که در دهه هفتاد، مرگ اعضای خانواده، به ویژه پدر را موضوع خود می‌سازند همه واقع‌گرا و ویژه کودکان گروه سنی «ج» هستند. در داستان‌های دهه هفتاد در ایران، نه تنها با موضوع مرگ، بلکه با مفهوم دیگری چون شهادت یکی از اعضای خانواده که معمولاً پدر است، مواجه هستیم. موضوع شهادت، علاوه بر داستان‌های واقع‌گرا، موضوع بسیاری از داستان‌های دینی و مذهبی نیز هست. در این‌گونه داستان‌ها، نویسندگان تنها با شکل تفهیم مرگ برای کودک روبه‌رو نیستند، بلکه باید بکوشند مفهوم واژه شهادت را آن‌گونه که در خور فهم یک کودک است، به او منتقل سازند. مثلاً داستان آخرین سیب؛ اثر مریم جمشیدی و داستان خورشید خانه ما اثر محسن پرویز.

در داستان‌های کودکان دهه هفتاد، مرگ به اشکال مختلف نمود می‌یابد؛ از جمله:

- **مرگ حیوان دست‌آموز:** مانند داستان علی و برفی، اثر مجید عمیق.

- **مرگ پدر و مادر:** داستان‌هایی چون جشن ستاره‌ها، ماهی‌گیر و دریاو یک شیشه گلاب. در چنین داستان‌هایی هیچ اشاره‌ای به علت مرگ پدر و مادر نمی‌شود. قهرمان اصلی در این داستان‌ها به جز داستان ماهی‌گیر و دریا، با مادر بزرگ پیر خود زندگی می‌کنند که مشکلات ناشی از این زندگی در فضا و حوادث داستان، خود را به خوبی نشان می‌دهد. در قسمت مشکلات اجتماعی، در همین بخش به زندگی کودک در خانواده‌های تک سرپرست و مشکلات آن‌ها اشاره خواهد شد.

- **مرگ بزرگسالان:** (پدر بزرگ و مادر بزرگ) در داستان‌هایی چون یک باغچه پر از نیلوفر، خانم بزرگ و داستان پدر بزرگ.

- **شهادت پدر (آخرین سیب، خورشید خانه ما)**



- **مرگ پدر و زندگی کودک با مادر** (خانواده های تک سرپرست) داستان هایی چون **قالیچه بته گلی**، **جان شما کجاست؟**، **گلی برای ساقه سبز**، **خورشید خانه ما**، **آخرین سیب**، **مهربان چون مسیح**. در این داستان ها نیز کوچک ترین اشاره ای به علت مرگ پدر نمی شود.

- **مرگ دوست**: در داستان های رنگین کمان، راز آواز.

اگر چه شخصیت های داستان های کودکان، به دلایل متفاوت می میرند، در اکثر داستان های واقع گرای این دهه هیچ اشاره ای به علت مرگ اعضای خانواده نمی شود. تنها مقوله شهادت است که در داستان ها بسیار واضح به آن اشاره می شود. فقط در داستان ماهیگیر و دریا، اثر عظیم خلیلی، پدر با فرورفتن در کام دریا، شخصیت اصلی داستان، یعنی پسرش را تنها و بی سرپرست می کند.

در داستان های دینی، علت مرگ شخصیت اصلی، علاوه بر شهادت در جنگ، بیماری و پیری نیز بیان می شود. مثلاً داستان های سال های سختی بود، مرگ مقدار از صحابه پیامبر و آخرین امید، وفات امام صادق را نشان می دهند.

۳ - گروه های شغلی

خانواده و جامعه همواره سعی دارند نقش های اجتماعی را به کودکان بیاموزند. ادبیات داستانی با ارائه این نقش ها در قالب گروه های شغلی و اجتماعی در میان زنان و مردان، پایگاه اجتماعی هر نقش را روشن می سازد. گروه های شغلی می تواند شامل شغل های فرهنگی، پیشه وری، کار و کارگری، نظامی، درمانی، کشاورزی، مدیریتی و سیاسی باشد. گروه های شغلی و مشاغل اجتماعی در داستان های واقع گرای سنتی، خلاف داستان های واقع گرای معاصر، کاملاً بارز و آشکار هستند. علاوه بر متن و محتوا، تصاویر نیز در معرفی این مشاغل می کوشند. در حالی که در داستان های اجتماعی معاصر، نویسنده کوششی در معرفی گروه های شغلی پدران و مادران خانواده ندارد. در بسیاری از داستان ها، فقط نامی از پدر به عنوان شخصیت سایه، در داستان آمده است بدون این که کوچک ترین اشاره ای به پایگاه اجتماعی او شود؛ حتی تصاویر هم در این مورد، نشان دهنده موقعیت شغلی نیستند. از این رو، داستان های معاصر دهه هفتاد، نقش چندان در شناساندن پایگاه های اجتماعی افراد و معرفی گروه های شغلی به کودکان ندارند. نویسندگان در این زمینه، نه تنها تلاشی نمی کنند، بلکه شخصیت های پدران و مادران را اکثر جزو شخصیت های سایه و فرعی قرار داده، آن ها را در میان حوادث و صحنه های مختلف داستان پنهان می سازند.

مشاغل و گروه های شغلی در داستان های عامیانه، فولکلور، افسانه ها و داستان های اجتماعی معاصر، عبارتند از: کشاورز در داستان هایی چون **کشاورز پیر و خرس قهوه ای**، **جان شما کجاست؟**، **شالیزار سبز**، **شازده کوچولو**، **پرستار در داستان های علی و برفی**، **بچه ها و کبوترها**، **نجار در داستان قصه پلنگ سفید**، **خیاط در داستان پیراهن ماه**، **شکارچی در داستان تفرقه و شکار**، **طیب در داستان طیب قلابی**، **قالیباغ در داستان قالیچه بته گلی و غنچه بر قالی**، **بازرگان در داستان کفش های بازرگان**، **قاضی در داستان درخت سخنگو**، **نخریس در داستان اژدها و آتش دهانش**، **نانوا در داستان دخترک و گل نرگس**، **خلبان: باغ فرشته ها و دو بال پریدن**، **مهندس در داستان تندیس مقاومت و...**
در پاره ای از داستان ها، نویسنده مهاجرت خانواده ها را از شهری به شهر دیگر نشان می دهد. حتی در این گونه داستان ها نیز کوچک ترین اشاره ای به علت مهاجرت، شغل و پایگاه اجتماعی زن و مرد خانواده نشده است: مثلاً داستان های **پس کی برف می بارد** و **سفید برفی** از این گونه اند.

۴ - جریان های اجتماعی

جریان های اجتماعی در داستان های معاصر، شامل مباحث و مسائلی هستند که به نحوی بازتاب دهنده زندگی اجتماعی مردمان یک جامعه، از خردسال تا بالاترین رده های سنی است. در گذشته داستان های واقع گرا، اصولاً بر مبنای قوانین سنتی خانواده، پیوندهای گرم و نزدیک و واحدهای خانوادگی پایدار که نسل اندر نسل در یک جا زندگی کرده اند، آفریده می شد. امروز، درونمایه داستان های واقع گرا، دچار دگرگونی ها و تغییراتی شده است که تغییرات، ناشی از دگرگونی های فزاینده و بازتابی از زندگی اجتماعی پیچیده مردمان عصر حاضر است. داستان های واقع گرای اجتماعی دهه هفتاد ایران نیز بر پایه تمامی دگرگونی ها، تغییرات و در کنار آن ها مشکلاتی که طی چند دهه گذشته و حال، روند اجتماعی کشور را متغیر ساخته اند، به وجود آمده اند.

مهم ترین جریان های اجتماعی دهه هفتاد عبارتند از: **جنگ**، **صلح**، **انقلاب**، **اسارت**، **آزادی**، **مهاجرت**، **شهادت** و ... انعکاس این جریان ها، دغدغه اصلی نویسندگان این دهه را نشان می دهد. در این قسمت، به طور خلاصه به داستان هایی که بازتاب چنین جریان های اجتماعی هستند، اشاره می شود.

جنگ: بیش از نیمی از داستان های اجتماعی دهه هفتاد، بازتاب و انعکاسی از اوضاع و احوال ایران، در جنگ هشت ساله ایران و عراق و پیامدهای ناشی از آن است که تأثیرات مخرب و غیر قابل جبرانی بر زندگی نسل کودک داشته است. آفریدن و خلق این گونه آثار، با هدف یا اهداف والایی، از جمله همدردی با کودکان آسیب دیده از جنگ و یاری رساندن به



خانواده و جامعه همواره سعی دارند نقش های اجتماعی را به کودکان بیاموزند. ادبیات داستانی با ارائه این نقش ها در قالب گروه های شغلی و اجتماعی در میان زنان و مردان، پایگاه اجتماعی هر نقش را روشن می سازد. گروه های شغلی می تواند شامل شغل های فرهنگی، پیشه وری، کار و کارگری، نظامی، درمانی، کشاورزی، مدیریتی و سیاسی باشد.

آن‌ها برای کنار آمدن با شرایط جدید و دشوار زندگی همراه است.
مهم‌ترین موضوعات داستان‌های جنگ در دهه هفتاد، عبارتند از:

- شهادت
- جانبازی و جانبازان
- آزادی و آزادگی
- مهاجرت
- **شهادت:** داستان‌های خورشید خانه‌ما، اثر محسن پرویز، آخرین سبب، اثر مریم جمشیدی، آن مرد در باران آمد، اثر محمد حمزه، شهادت پدر در جنگ ایران و عراق را نشان می‌دهند. داستان‌های تندیس مقاومت، اثر احمد عربلو، گل، اثر علی آقاغفار، شهادت دل‌مردمانه سرداران جنگ را به صورت خاطراتی از جنگ نمایش می‌دهند.
- **جانبازی و جانبازان:** یکی از قابل‌تأمل‌ترین مسائل و تبعات جنگ، موضوع جانباز و جانبازان است، به گونه‌ای که اگر هم بسیاری از مشکلات و آثار باقی مانده از جنگ، به مرور و در طی سالیان پس از آن به پایان برسد و به فراموشی سپرده شود، نشانه‌ها و عواقب جسمی و روانی جانبازی، معمولاً باقی می‌ماند و لاقلاً تا سالیانی دراز نمی‌توان آن را فراموش کرد.

در ادبیات داستانی دفاع مقدس ویژه کودکان و نوجوانان در دهه هفتاد، این موضوع به دو شکل نمود یافته است:
الف- کودکان یا نوجوانانی که در اثر بمباران منطقه و محل سکونت خود جانباز شده‌اند. تعداد این‌گونه داستان‌ها اندک است. تنها در داستان خانه چوب کبریتی، اثر فروزنده خداجو و هدیه‌ای برای بچه‌های کنار شط، اثر سیروس طاهباز، قهرمانان دو پسر بچه‌ای هستند که در جنگ مجروح شده‌اند. در این داستان‌ها قهرمانان که مجبور به مهاجرت شده‌اند، با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند که پاره‌ای از آن‌ها عبارتند از: دوری از وطن، ترک دوستان، هم‌چنین ورود به مکان‌های ناشناخته، عقب ماندن از بچه‌های همسن خود در درس و تحصیل و از همه مهم‌تر، مشکلات رفتاری و روانی است که می‌توان به پرخاشگری، تنهایی و انزوا اشاره کرد که در اثر مجروح شدن، در کودکان دیده می‌شود.

ب- مجروح شدن پدر یا دیگر اعضای خانواده، داستان‌های کلاغ آبی، اثر داوود غفارزادگان و باغ فرشته‌ها، اثر افسانه شعبان‌نژاد، از این‌گونه‌اند. در این نوع داستان‌ها، نویسنده مجبور است مفهوم مجروح شدن و از دست دادن اعضای بدن را برای کودک تشریح کند. داستان آن مرد در باران آمد، اثر محمد حمزه زاده علاوه بر نشان دادن شهادت پدر در جنگ ایران، شهادت حضرت ابوالفضل و هم‌چنین مجروح شدن عمومی دختر (قهرمان اصلی داستان) نشان داده می‌شود. هدف نویسندگان در داستان‌هایی از این قبیل، نشان دادن نگرانی، دلهره، ترس، اضطراب و نیز خشونت‌های ناشی از عقده‌های درونی کودکان در این‌گونه خانواده‌هاست.

- **آزادی و اسارت:** مبحث آزادی و آزادگی، همیشه و در هر زمان مورد توجه و علاقه هنرمندان به ویژه نویسندگان قرار گرفته است. آن‌ها برای آشنا کردن کودک با عظمت مفهوم آزادگی از هر نوع داستان به ویژه داستان‌های تخیلی در قالب شخصیت‌های حیوانی، به خصوص پرندگان بهره جسته، به عنوان ابزار و وسیله‌ای در بیان اهداف سیاسی و اجتماعی خود استفاده کرده‌اند. قدیمی‌ترین داستانی که در قالب تمثیل، با شخصیت پرنده‌ای در قفس، مقوله آزادی را مورد بررسی قرار می‌دهد، داستان توکایی در قفس، اثر نیما یوشیج است. داستان‌های یک باغچه بهار، اثر محمدرضا یوسفی، بال‌های آبی من، اثر راضیه دهقان سلماسی، هفت روز هفته دارم، اثر احمدرضا احمدی و داستان آزاده اثر مازیار تهرانی، داستان دختران کوچکی است که پدران‌شان اسیر دوران انقلاب و یا اسیر دوران جنگ هستند. آن‌ها آرزوی خود را مبنی بر آزادی پدران‌شان، در قالب نقاشی نشان می‌دهند.

- **مهاجرت:** یکی از مخرب‌ترین آثار جنگ تحمیلی که بعد از خسارت‌های انسانی و اقتصادی، بزرگ‌ترین زیان‌ها را به مردم و کشور وارد کرد، موضوع آوارگی و مهاجرت هزاران نفر ساکنان سرزمین‌های اشغالی و تخریب شده است. داستان‌هایی که در دهه هفتاد، به موضوع مهاجرت می‌پردازند اکثراً شامل مهاجرت‌های ناشی از جنگ هستند که در طی داستان، مشکلات مهاجرت که بیش از همه گریبانگیر کودکان می‌شود، هم‌چنین دغدغه‌های مربوط به تعلقات خاطر کودک نسبت به وطن خویش و گروه همسالان نشان داده می‌شود. مشکلات اقتصادی و تدارکاتی از قبیل تأمین کار، محل تحصیل، سکونت، تهیه وسایل و ابزارهای اولیه زندگی و مانند آن‌ها، آن هم در آن شرایط فوق‌العاده خاص و دشوار از مشکلات مهاجرت است، ولی از همه این‌ها سنگین‌تر ترک دیار و خانه، خاطرات گذشته، جدا شدن از عزیزان و دوستان و اعضای خانواده است که در داستان‌ها ضربه سختی از نظر روحی، به قهرمانان اصلی وارد می‌سازد. داستان‌های خانه چوب کبریتی، هدیه‌ای برای بچه‌های کنار شط، آخرین منجوق و شهر بی‌خاطره، از جمله داستان‌هایی هستند که به مبحث مهاجرت در دوران جنگ می‌پردازند.

نوع دیگر مهاجرت در داستان‌های این دهه که ارتباطی با مهاجرت‌های ناشی از جنگ ندارد و تنها به دلیل موقعیت‌های



شغلی پدر خانواده صورت می‌گیرد، در داستان‌های پس کی برف می‌بارد، اثر سوسن طاق‌دیس و سفید برفی، اثر منیرو روانی پور، نمود می‌یابد. هدف نویسندگان در این گونه داستان‌ها، آشنا کردن کودکان با محیط‌های جدید و وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی مناطق مختلف کشور است.

روش دیگری که نویسندگان در دهه هفتاد، بنا به هر دلیلی در نوشتن و پرداختن به موضوعات جنگ انتخاب کرده‌اند آمیزش دو موضوع جدا از هم در یک داستان و ساختن یک داستان جدید است. در اصل، شیوه داستان در داستان یا قصه در قصه را برای آفریدن آثار ادبی جنگ انتخاب می‌کنند؛ مثلاً داستان‌های بچه‌ها و کبوترها، اثر سیروس طاهباز. نویسنده در این داستان، دو موضوع جنگ (بمباران هوایی) و داستان تاریخی اصحاب فیل را یک جا در یک داستان چند صفحه‌ای می‌گنجانند. هم‌چنین داستان آن مرد، در باران آمد اثر محمد حمزه‌زاده که در طول داستان، علاوه بر موضوع جنگ ایران و عراق، به موضوع کربلا، عاشورا، رشادت حضرت ابوالفضل و بالاخره نحوه شهادت او، اشاره می‌شود.

در کنار داستان‌هایی که به انعکاس جنگ و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند، می‌توان به داستان‌های تخیلی اشاره کرد که از زبان اشیاء، رشادت و دل‌آوری‌های مردان جنگ بیان می‌شود. مثلاً در داستان خانه‌ای روی شیشه اثر شهرام شفیعی داستان از زبان یک علامت «*» روی شیشه، در شرح دل‌آوری‌ها و رشادت‌های قهرمانان جنگ بیان می‌شود. هم‌چنین در داستان قمقمه آب، اثر ابراهیم حسن بیگی، داستان، به دنبال کشیدن نقاشی از عکس پدر توسط یک دختر شروع می‌شود. دختر در نقاشی به دنبال صاحب قمقمه آب است. در این جست‌وجو، تمامی حوادث داستان اتفاق می‌افتد و خواننده به همراه دختر، در نقاشی به سیر در جبهه‌ها می‌پردازد تا این که بالاخره صاحب قمقمه آب پیدا می‌شود.

انقلاب

همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، دو جریان سیاسی انقلاب و جنگ هشت ساله ایران و عراق، در دو دهه پنجاه و شصت، مسیر اصلی داستان‌های دهه هفتاد را به دنبال خود پیش می‌کشاند. در اصل، محتوای اکثر داستان‌های واقع‌گرای معاصر این دهه، بازتاب و انعکاسی است از اوضاع و احوال اجتماعی ایران که در طی دو جریان سرنوشت ساز انقلاب و جنگ رقم خورده است. بالطبع این دو جریان، در هر کشوری که رخ می‌داد، می‌توانست مشکلات عدیده و فراوانی را به دنبال داشته باشد. همان‌طور که پاره‌ای از آن‌ها توسط نویسندگان، به ویژه آن‌چه گریبانگیر نسل کودکان در دهه هفتاد شد، در آثار این دهه منعکس شده است که در بحث بررسی مشکلات اجتماعی به آن‌ها اشاره خواهد شد. داستان‌هایی که تلاش و نقش کودکان انقلابی را در جریان انقلاب پنجاه و هفت (۱۳۵۷) ایران نشان می‌دهند، عبارتند از: داستان در پناه خانه دوست اثر حسین فتاحی، گریه ایران ما اثر فریبا کلهر و شاه مقوی، اثر شهرام شفیعی، داستان مبارزه کودکان و نوجوانان علیه رژیم گذشته ایران است. داستان خاطرات بچه‌های انقلاب، در چند جلد، اثر محمود جوانبخت، داستان دیروز ایران، امروز فلسطین، اثر حمید گروگان، تلاش انقلابیون فلسطین علیه رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد.

مشکلات اجتماعی

شاید بتوان گفت مشکلات و مصائب اقتصادی، اجتماعی هر حکومتی تقریباً پس از پایان یا انقراض آن حکومت، به صورت آشکار در آثار هنرمندان و نویسندگان منعکس می‌شود. داستان‌های اجتماعی منتشر شده در دهه هفتاد که نشر پاره‌ای از آن‌ها به دهه شصت بر می‌گردد، اکثراً فضایی را به تصویر می‌کشاند که کوچک‌ترین رگه‌هایی از فضای دهه اخیر در آن‌ها به چشم نمی‌خورد. در این‌گونه داستان‌ها مشکلات اجتماعی نشان داده می‌شود که مطمئناً در زمان رژیم گذشته، در لفافه و اکثراً در شخصیت‌های جانوری نمود یافته‌اند. مشکلاتی که در دو دهه شصت و هفتاد به‌ویژه دهه شصت، آشکارا در ادبیات کودک منعکس می‌شود. داستان سیاسی ماهی سیاه کوچولو، اثر صمدبهرنگی، از این‌گونه است. پاره‌ای از مشکلات که اکثراً در داستان‌های اجتماعی دهه هفتاد در رأس داستان و هدف اصلی نویسنده قرار می‌گیرد، عبارتند از: فقر، نابرابری اجتماعی، بی‌سپرستی، بزهکاری، مشکلات نداشتن مسکن، بی‌سوادی و بی‌کاری.

بورلی کلیری (Borle klery)، درباره انعکاس مشکلات اجتماعی در کتاب‌های کودکان، می‌گوید: «من دلم می‌خواهد بیشتر درباره مردم بنویسم تا درباره دشواری‌ها» (نورتون ۱۳۸۲، ص ۳۹۳). درست مانند داستان‌های اجتماعی دهه هفتاد که بیشتر از داستان‌های دو دهه قبل، کودکانی را برجسته می‌سازند که گرفتار مشکلات ناشی از اوضاع دهه شصت، به ویژه جنگ و اثرات مخرب آن هستند. در حالی که در داستان‌های دو دهه گذشته (پنجاه و شصت)، هدف نویسندگان بر آن است تا آن‌جا که می‌توانند مشکلات و دشواری‌های گریبانگیر کودکان و خانواده‌های آن‌ها را آشکار سازند، نه کودکانی که دارای چنین مشکلاتی هستند. مثلاً جایزه، اثر رضا رهگذر، داستانی است که فقر و نابرابری‌های اجتماعی دهه‌های گذشته را نشان می‌دهد. در حالی که داستان خورشید خانه ما، اثر محسن پرویز، زندگی دو پسر بچه در یک خانواده تک‌سرپرست را نشان می‌دهد که مشکلات و دشواری‌های خاص ناشی از شهادت پدر خود را دارند. هدف نویسنده در این داستان، نمایان ساختن کودکانی است که زندگی آن‌ها، به ویژه دوران شیرین کودکی شان قربانی جنگ خانمان‌سوز می‌شود.



در گذشته
داستان‌های
واقع‌گرا،
اصولاً بر مبنای
قوانین سنتی
خانواده، پیوندهای
گرم و نزدیک و
واحدهای خانوادگی
پایدار که
نسل‌اندرنسل
در یک جا
زندگی کرده‌اند،
آفریده می‌شد.
امروز، درونمایه
داستان‌های
واقع‌گرا،
دچار دگرگونی‌ها و
تغییراتی شده است
که تغییرات،
ناشی از
دگرگونی‌های
فزاینده و
بازتابی از زندگی
اجتماعی پیچیده
مردمان عصر

در میان مشکلات اجتماعی، مقوله خانواده‌های تک سرپرست، درخشندگی خاصی دارد که موضوع اصلی داستان‌های واقع‌گرای معاصر (دهه هفتاد) را پیش از همه به خود اختصاص می‌دهد. از این رو، به عنوان آخرین مبحث از این بخش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

خانواده‌های تک سرپرست

خانواده‌های تک سرپرست، همیشه وجود داشته‌اند، اما داستان‌های واقع‌گرای اخیر، کودکان خانواده‌هایی را نشان می‌دهند که هم عمومیت بیشتری دارند و هم صادقانه‌تر از داستان‌های واقع‌گرای گذشته، واقعیت‌ها را در خود منعکس می‌سازند. در داستان‌های تألیف شده این دهه یا داستان‌هایی که به قصه‌های عامیانه و فولکلور می‌پردازند، علت اصلی جدایی فرزند از پدر و مادر را مرگ یکی از آن دو یا هر دو و یا در داستان‌های اخیر شهادت و اسارت معرفی می‌کنند. در زیر، به نمونه‌هایی چند اشاره می‌شود.

مرگ پدر و مادر: داستان‌هایی چون جشن ستاره‌ها (زندگی یک پسر کوچک با مادر بزرگ پیر)، گلی برای ساقه سبز (مرگ پدر، زندگی مادر با دختر کوچک)، یک شیشه گلاب (مرگ پدر و مادر و زندگی مادر بزرگ پیر و نوه کوچک)، ماهیگیر و دریا (مرگ پدر در دریا و زندگی پسری تنها بدون حضور پدر و مادر). کودک در چنین داستان‌هایی دائم در حال تک‌گویی درونی با خود است تا نبود پدر و مادر را برای خود به هر طریقی توجیه کند.

شهادت و اسارت پدر: داستان‌هایی چون آخرین سیب، خورشید خانه ما، خانه چوب کبریتی، آن مرد در باران آمد، بال‌های آبی من، آزاده، یک باغچه بهار، قمقمه آب.



نتایج

پس از بررسی محتوای داستان‌های اجتماعی دهه هفتاد در سه گروه سنی «الف»، «ب» و «ج»، به نتایج زیر می‌توان اشاره کرد.

در میان پنج مقوله بررسی شده در داستان‌های اجتماعی، مقوله‌های خانواده، اخلاق و رفتار اجتماعی، به دلیل رشد و پرورش روند جامعه‌پذیری کودک در گروه سنی «الف» و «ب»، بیش از گروه سنی «ج» مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. در حالی که دو مقوله جریان‌ات و مشکلات اجتماعی، در داستان‌های واقع‌گرای معاصر ویژه گروه سنی «ج» انعکاس بیشتری می‌یابد. علت آن را علاقه‌مند بودن کودک، در سن ۱۰-۱۲ سالگی، به داستان‌های واقعی می‌توان دانست؛ داستان‌هایی که واقعیت‌های اطراف کودک را برای آن‌ها تفسیر و تعبیر می‌کند. در میان ۳۳۲ عنوان کتاب (شامل ۵۲۴ داستان) بررسی شده دهه هفتاد، در گروه سنی «الف» ۱۴/۱ درصد، گروه سنی «ب» ۱۹/۴۹ درصد و گروه سنی «ج» ۲۲/۳۰ درصد داستان‌ها دارای محتوای اجتماعی‌اند که در مجموع ۱۹/۷۰ درصد کل داستان‌های دهه هفتاد را بر می‌گیرد. در پایان، باید افزود که داستان‌های اجتماعی بیشترین تعداد داستان‌های دهه هفتاد را شامل می‌شود.

منابع

- ۱ - آلیسون، جیمز و دیگران: **جامعه‌شناسی دوران کودکی**، ترجمه علی‌رضا کرمانی و علی‌رضا ابراهیم آبادی، تهران، ثالث ۱۳۸۳
- ۲ - انزابی نژاد، سیدرضا: **چه نوشتن و چگونه نوشتن برای کودکان**، پژوهشنامه کودک و نوجوان، تهران، افق، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۳
- ۳ - حجوانی، مهدی: **سیری در ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب**، پژوهشنامه کودک و نوجوان، تهران، افق، ش ۲۰، (بهار ۱۳۷۹).
- ۴ - حرّی، عباس: **واقع‌گرایی در ادبیات کودک**، مقاله درباره ادبیات کودک و نوجوان، گردآورنده آتش جعفر نژاد، تهران، شورای کتاب کودک ۱۳۶۳
- ۵ - سرشار، محمدرضا: **در مسیر تندباد**، تهران، پیام آزادی ۱۳۸۱
- ۶ - سرشار، محمدرضا: **منظری از ادبیات داستانی پس از انقلاب**، تهران، پیام آزادی ۱۳۷۵
- ۷ - گیانو، آلسندرا: **درونمایه مرگ در ادبیات کودک فرانسوی**، کتاب ماه کودک و نوجوان، ترجمه بهاره بهداد، تهران، خانه کتاب، ش ۸۱، تیر ۱۳۸۳
- ۸ - نورتون، دونا: **شناخت ادبیات کودکان** (گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک)، ترجمه منصوره راعی و دیگران، تهران، قلمرو ۱۳۸۲
- ۹ - محمدی، محمد: **روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان**، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ۱۳۷۸